

## تاریخ اسلام

## مباهله؛ سند عظمت اهل بیت (ع)

امروز، ۲۴ ذی‌الحجه، طبق روایات مشهور، سالروز سه‌وا‌قعه بزرگ تاریخی است؛ نخست روز مباهله پیامبر خدا(ص) با مسیحیان نجران، دوم سالروز نزول آیه تطهیر در شأن پیامبر اکرم، امیر مؤمنان، فاطمه‌زه‌را و حسنبن علیهم‌السلام سوم، سالروز نزول آیه ولایت در حق امام علی (ع) و پس از وقوع ماجرای بخشیدن انگشتر به فردی بیارمند از سوی آن حضرت است. بی تردید، هر کدام از این وقایع، شر‌حی مفصل‌می‌خواهد که در این مختصر نمی‌گنجد و به همین دلیل، ما به ناچار، به روایت کردن ماجرای یکی از این مناسبت‌ها، بسنده می‌کنیم.
آن‌چه در پی می‌آید، فر از هایی از کتاب «فروغ‌البدیت» نوشته‌آیت… جعفر سبحانی است که در آن‌واقعهمباهله شرح داده‌شده‌است؛ «سرگذشت مباهله پیامبر اسلام، با هیئت نمایندگی (نجران) از حوادث جالب و تکان دهنده و شگفت‌انگیز تاریخ اسلام است. ز مخشری می‌گوید: وقت مباهله فرا رسید، قبالا پیامبر (ص) و هیئت نمایندگی (نجران) توافق کرده بودند که مراسم مباهله در محلی خارج از شهر مدینه، در دامنه صحرا انجام بگیرد. پیامبر از میان مسلمانان و بستگان خود، فقط چهار نفر را برگزید که در این حادثه تاریخی شرکت کنند. این چهار تن، جز علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فاطمه(س) دختر پیامبر و حسن و حسین(ع) کس دیگری نبود؛ زیرا در میان تمام مسلمانان، نفوسی پاک‌تر و ایمانی استوارتر از ایمان این چهار تن، وجود نداشت. سران هیئت نمایندگی مسیحیان نجران، پیش از آن‌که با پیامبر روبه‌رو شوند به یکدیگر می‌گفتند: هر گاه دیدید که (محمد) افسران و سربازان خود را به میدان مباهله آور دو شکوه مادی و قدرت ظاهری خود را نشان ما داد بر این صورت وی یک فرد غیر صادق است و اعتمادی به نبوت خود ندارد، ولی اگر با فرزندان و جگر گوشه‌های خود به (مباهله) بیاید و بایک وضع وارسته از نوع جلال و جبروت مادی، رو به ر گاه الهی بگذارد پیداست که پیامبری راستگو است و به قدری به خود ایمان و اعتقاد دارد که نه تنها حاضر است خود را در معرض نابودی قرار دهد، بلکه با جرئت هر چه تمام‌تر، حاضر است عزیزترین و گرامی‌ترین افراد نزد خود را در معرض فنا و نابودی واقع سازد. سران هیئت نمایندگی در این گفت‌وگو بودند، ناگهان چهره نورانی پیامبر با چهار تن دیگر نمایان گردید. همگی با حالت بهت زده و تحیر به چهره یکدیگر نگاه کردند و از این‌که او جگر گوشه‌های معصوم‌بوی‌کناه و یگانه دختر و یادگار خود را به صحنه مباهله آورده‌است، انگشت تعجب به‌دندان گرفتند. اسقف نجران گفت: من چهره‌هایی را می‌بینم که هر گاه دست به‌دعا بلند کنند و از گاه الهی بخواهند که بزرگ‌ترین کوه‌ها را از جای بکنند، فور ادعای آنان مستجاب می‌شود. بنابراین، هرگز صحیح نیست ما با این چهار چهره‌های نورانی و با این افراد با فضیلت، مباهله کنیم؛ زیرا بعید نیست که همه‌ما نابود شویم و ممکن است دامنه عذاب گسترش پیدا کند و همه مسیحیان جهان را بگیرد و در روزی زمین یک مسیحی باقی نماند.»

## تاریخ اسلام

## سریال‌هایی مانند «سال‌های مشروطه»، «ستارخان»، «بانوی عمارت» و «تفنگ سرپُر»، «علی‌رغم دغدغه‌های تاریخی سازندگانشان نتوانسته‌اند نمایی از واقعیت انقلاب مشروطه را برای مخاطبان به تصویر بکشند



**جواد نوائیان رودسری** –به‌نظر اصلا کمبودی احساس نمی‌شود؛ به‌خصوص در سال‌های اخیر که باصرف‌هزینه‌های سنگین، آثار فاخر متعددی در باره تاریخ معاصر ایران ساخته‌شده‌است؛ از «سال‌های مشروطه» بگیرد تا «عمارت فرنگی» و حتی سریال «شهربار» که در آن به زوایایی از سال‌های پر التهاب انقلاب مشروطیت پرداخته شد. اما با وجود این کثرت، جای یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران، یعنی مشروطیت، به‌شدت در متن آثار تولیدشده خالی است. این غربت عجیب در کنار آن شهرت فراوان، غیرقابل باور است. مشروطیت در متن آثار سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ما، تنها یک فضا پر کنی صرف به حساب می‌آید، یعنی قرار است بر بستر آن، اتفاقاتی بیفتد؛ از وقایع عاشقانه بگیرد تا فعالیت‌عوامل نفوذی بیگانه یا شرح زندگی یکی از رجال نامدار ادبی، سیاسی یا علمی. آن‌چه در این بین اصلا به چشم نمی‌آید، اصل ماجراست؛ او چه شد که مردم در برابر بیداد و استبداد قیام کردند؟ خواسته آن‌ها چه بود؟ چه اتفاقاتی رخ داد تا غم مشروطه‌خواهی به‌هتزاز در آید؟ این‌ها موضوعاتی است که در سریال‌های ما، یا ناپدید گرفته می‌شود یا آن را ناقص به تصویر می‌کشند و گذر از کنارش می‌گذرند. تاریخ با همه زوایای پید و پنهانی که دارد، منبعی در س‌آموز است که می‌تواند یک ملت را از تکرار اتفاقات ناگوار گذشته بازدارد. سریال‌های تلویزیونی، معمولا با هزینه‌ای بسیار سنگین، تهیه و آماده پخش می‌شود و به نظر می‌رسد عبور سهل‌انگانه از کنار واقع مشروطه و قربانی کردن حقیقت رخداد آن به پای اتفاقات حاشیه‌ای و لوازم و مقتضیات سینمایی، هدفی را که از تهیه چنین برنامه‌هایی دنبال می‌کنیم، به‌حاشیه‌براند. فردا، ۱۴ مردادماه، سالروز امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار و شاید بهترین فرصت برای گفتن از این غربت و غفلت بزرگ است. در ادامه به بررسی تعدادی از سریال‌های تاریخی (با موضوعیت تاریخ معاصر) و زوایه نگاه آن‌ها به مشروطیت پرداخته‌ایم تا بیشتر با موضوعی که از آن صحبت می‌کنیم، آشنا شوید.

■ **سال‌های مشروطه: تنها نگاه نیم‌بند**

«سال‌های مشروطه»، ساخته محمدرضا ورزی که باصرف‌هزینه‌های سنگین، آثار فاخر متعددی در باره تاریخ معاصر ایران ساخته‌شده‌است؛ از «سال‌های مشروطه» بگیرد تا «عمارت فرنگی» و حتی سریال «شهربار» که در آن به زوایایی از سال‌های پر التهاب انقلاب مشروطیت پرداخته شد. اما با وجود این کثرت، جای یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران، یعنی مشروطیت، به‌شدت در متن آثار تولیدشده خالی است. این غربت عجیب در کنار آن شهرت فراوان، غیرقابل باور است. مشروطیت در متن آثار سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ما، تنها یک فضا پر کنی صرف به حساب می‌آید، یعنی قرار است بر بستر آن، اتفاقاتی بیفتد؛ از وقایع عاشقانه بگیرد تا فعالیت‌عوامل نفوذی بیگانه یا شرح زندگی یکی از رجال نامدار ادبی، سیاسی یا علمی. آن‌چه در این بین اصلا به چشم نمی‌آید، اصل ماجراست؛ او چه شد که مردم در برابر بیداد و استبداد قیام کردند؟ خواسته آن‌ها چه بود؟ چه اتفاقاتی رخ داد تا غم مشروطه‌خواهی به‌هتزاز در آید؟ این‌ها موضوعاتی است که در سریال‌های ما، یا ناپدید گرفته می‌شود یا آن را ناقص به تصویر می‌کشند و گذر از کنارش می‌گذرند. تاریخ با همه زوایای پید و پنهانی که دارد، منبعی در س‌آموز است که می‌تواند یک ملت را از تکرار اتفاقات ناگوار گذشته بازدارد. سریال‌های تلویزیونی، معمولا با هزینه‌ای بسیار سنگین، تهیه و آماده پخش می‌شود و به نظر می‌رسد عبور سهل‌انگانه از کنار واقع مشروطه و قربانی کردن حقیقت رخداد آن به پای اتفاقات حاشیه‌ای و لوازم و مقتضیات سینمایی، هدفی را که از تهیه چنین برنامه‌هایی دنبال می‌کنیم، به‌حاشیه‌براند. فردا، ۱۴ مردادماه، سالروز امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار و شاید بهترین فرصت برای گفتن از این غربت و غفلت بزرگ است. در ادامه به بررسی تعدادی از سریال‌های تاریخی (با موضوعیت تاریخ معاصر) و زوایه نگاه آن‌ها به مشروطیت پرداخته‌ایم تا بیشتر با موضوعی که از آن صحبت می‌کنیم، آشنا شوید.

■ **عمارت فرنگی: بی‌خیال مشروطیت**

عمارت فرنگی، ساخته دیگر محمدرضا ورزی است که در سال ۱۳۸۸، در ۱۵ قسمت، روی آنتن رفت؛ سریالی که مشروطه فقط پس‌زمینه آن است. این سریال وقایع سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۰ را در ایران روایت می‌کند؛ به دیگر سخن، از نظر زمانی، مخاطب را به ۱۰ سال بعد از مشروطیت می‌برد و توقع دارد که او، با چند جمله محدودی که از زبان بازیگرانی مانند سعید نیکیور، زنده‌یاد محمد مطیع، میرطاهر مظلومی و دیگران می‌شنود، درباره مشروطیت و دلایل وقوع آن به جمع‌بندی برسد و سیر تحولات سیاسی و

اجتماعی آن اتفاق بزرگ، در ذهنش جا بیفتد و البته چنین نمی‌شود؛ طی چند قسمت نخست، فضای سریال به صورت کامل از دوره قاجار بیرون می‌آید و دیگر گفرو سخنانی از مشروطیت در میان نیست؛ حتی همان پس‌زمینه مختصر هم در ذهن مخاطب محو می‌شود.

■ **ستارخان؛ مشروطیت در غُبار**

ستارخان ساخته قابل تحسین محمدرضا ورزی در سال ۱۳۹۶ است؛ انگار غیر از او، کس دیگری در تلویزیون، جرئت و جسارتی برای ورود به فضای تولید آثار تاریخی از این قبیل، ندارد. سریال «ستارخان»، راوی زندگی یکی از قهرمانان تاریخ ایران است. روایتی که بدون شناخت مفهوم مشروطیت و چرایی شکل گرفتن انقلاب آن، معنا پید نمی‌کند. اما صحنه‌ها و قسمت‌های سریال، چنان محو شخصیت و داستان ستارخان است که جز چند دیالوگ کوتاه، چیزی درباره مشروطیت و اصالت آن دیده نمی‌شود؛ همه اهالی محله امیر خیز تبریز، یعنی هم‌محله‌ای‌های ستارخان، در پی دفاع از اساس چیزی هستند که مخاطب نمی‌داند چیست؛ بنابراین، در این ساخته ورزی نیز، نمی‌توان نشانی در خور ماجرای مشروطیت و چرایی آن جُست.

■ **تفنگ سرپُر؛ یک نمونه بدون تیتیر**

شاید برایتان عجیب باشد اگر بگوییم مجموعه تلویزیونی «تفنگ سرپر» که به کارگردانی امرا… احمد جو، بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ تا مدت ساخته و از تلویزیون پخش شد، یکی از مشهور آثار ی است که می‌تواند نمایی از تاریخ مردمی دوره مشروطه را به نمایش بگذارد. صحنه‌های سریال، نقش‌های طراحی شده و دیالوگ‌ها، بسیار استادانه به‌نظر می‌رسند؛ چهره‌هایی که در سریال به نمایش گذاشته می‌شوند، از شخصیت «غیبیش» با بازیگری مؤثر محمدرضا پناگه بگیرد

## تاریخ

## ۱۱

### گزارش تاریخی

آیا مظفرالدین‌شاه ما یل به مشروطیت بود؟

#### مجبور به صدور فرمان همایونی!



میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان

میرزا اسحاق خان